



Research Paper

Sociological analysis of the impact of social changes on the political behavior of society, political participation, the activity of parties and social organizations (after 2009 in Iran)

Abbas Sadeghi Dastak¹ Mohammad Hossein Pouriani^{*2} Hasan Kheiri³

¹ PhD Student, Department of Sociology, Nar.C., Islamic Azad University, Naragh, Iran.

² Department of Sociology, Nar.C., Islamic Azad University, Naragh, Iran.

³ Department of Sociology, Qo.C., Islamic Azad University, Qom, Iran.

Keywords

Social changes, political behavior, political participation, parties, social organizations




ABSTRACT

The purpose of this research is to sociologically analyze the impact of social changes on the political behavior of society. This research is applied in terms of its purpose and descriptive-correlational in terms of its method. The statistical population of the present study includes women and men aged 18 to 65 years after 2009 in Iran; who were studied using a stratified random sampling method. Also, standard questionnaires and a researcher-made questionnaire on party activity were used to collect information. Pearson correlation statistical technique was used to analyze the collected information. The qualitative findings of the research show that sociological analysis, as a theorizing approach in social sciences, examines the relationships between social changes and political behavior. The impact of social changes on the political behavior of society is diverse and complex and is affected by various factors including values, beliefs, motivations, and identity of individuals. The results of the research show that social changes have an impact on the political behavior of society.

*Corresponding Author.

Email Adresses: 5799664973@iaui.ir.

Sadeghi Dastak, A. , Pouriani, M. H. and Kheiri, H. (2026). Sociological analysis of the impact of social changes on the political behavior of society, political participation, the activity of parties and social organizations (after 2009 in Iran). *Human Ecology*, 4(13), 1553-1564.

 Doi: <https://doi.org/10.22034/he.2025.549128.1144>



مقاله پژوهشی

تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر تغییرات اجتماعی بر رفتار سیاسی جامعه مشارکت سیاسی، فعالیت احزاب و تشکل‌های اجتماعی (بعد از سال ۱۳۸۸ در ایران)

عباس صادقی دستک^۱ محمد حسین پوریانی^{۲*} حسن خیری^۳

۱ دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی سیاسی، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران.

۲ گروه جامعه‌شناسی، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران.

۳ گروه جامعه‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

واژگان کلیدی

تغییرات اجتماعی، رفتار سیاسی، مشارکت سیاسی، احزاب، تشکل‌های اجتماعی



چکیده

هدف از این تحقیق تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر تغییرات اجتماعی بر رفتار سیاسی جامعه می‌باشد. این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه انجام توصیفی-همبستگی می‌باشد. تعداد جامعه آماری تحقیق حاضر شامل زنان و مردان ۱۸ تا ۶۵ سال بعد از سال ۱۳۸۸ در ایران می‌باشد؛ که به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. همچنین برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه‌های استاندارد و پرسشنامه محقق ساخته فعالیت احزاب استفاده گردی. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده از تکنیک آماری همبستگی پیرسون استفاده شده است. یافته‌های کیفی تحقیق نشان می‌دهد تحلیل جامعه‌شناختی به‌عنوان یک رویکرد نظریه‌پردازی در علوم اجتماعی، روابط بین تغییرات اجتماعی و رفتار سیاسی را مورد بررسی قرار می‌دهد. تأثیر تغییرات اجتماعی بر رفتار سیاسی جامعه متنوع و پیچیده است و متأثر از عوامل مختلفی از جمله ارزش‌ها، باورها، انگیزه‌ها و هویت افراد است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد تغییرات اجتماعی بر رفتار سیاسی جامعه تأثیرگذار است.

ارجاع به این مقاله: صادقی دستک، عباس، پوریانی، محمد حسین و خیری، حسن. (۱۴۰۴). تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر تغییرات اجتماعی بر رفتار سیاسی جامعه مشارکت سیاسی، فعالیت احزاب و تشکل‌های اجتماعی (بعد از سال ۱۳۸۸ در ایران). اکولوژی انسانی، ۴(۱۳)، ۱۵۵۳-۱۵۶۴.

۱. مقدمه

آنچه مشخص است تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر تغییرات اجتماعی بر رفتار سیاسی جامعه می‌تواند به شکل‌های مختلفی صورت بگیرد. یک تحلیل جامعه‌شناختی کامل نیازمند بررسی عوامل مختلفی است که تغییرات اجتماعی را نمایان می‌سازند، مانند تحولات اقتصادی، تغییرات فرهنگی، تکنولوژی و سیاست (مک کلارگ، ۲۰۱۸). تغییرات در جمعیت، ساختار سنی و ترکیب نژادی می‌تواند تأثیری بر رفتار سیاسی داشته باشد. به‌عنوان مثال، نوجوانان، افراد مسن و اقلیت‌ها ممکن است از سیاست‌ها و مسائل سیاسی با توجه به وضعیت و نیازهای خاص خود، به شکل متفاوتی تأثیرپذیرند (ریترز، ۲۰۱۹). تغییرات در اعتقادات، ارزش‌ها و رفتارهای فرهنگی می‌توانند رفتار سیاسی را تحت تأثیر قرار دهند. به‌عنوان مثال، تغییر در اندیشه‌ها و ارزش‌های جوانان ممکن است باعث شود که آن‌ها در تعامل با سیاست‌ها و رهبران سیاسی به شکل متفاوتی عمل کنند. مسائل مرتبط با اقتصاد می‌توانند رفتار سیاسی را تحت تأثیر قرار دهند. به‌عنوان مثال، رکود اقتصادی ممکن است باعث افزایش نگرانی‌ها و تغییر در تمایلات رأی‌دهندگان نسبت به سیاستمداران گردد (رفیعی، ۱۳۹۷). پیشرفت‌ها در فناوری ارتباطات، به‌ویژه رسانه‌های اجتماعی، می‌توانند رفتار سیاسی را به‌شدت تحت تأثیر قرار دهند. امکان دسترسی آسان‌تر به اطلاعات و نظرات مختلف می‌تواند منجر به تغییر در نحوه درک و مشارکت در مسائل سیاسی شود. تحلیل جامعه‌شناختی می‌تواند به ما کمک کند تا رابطه بین تغییرات اجتماعی و رفتار سیاسی جامعه را بهتر درک کنیم و مکانیسم‌های آن را بررسی کنیم (هاتینگتون، ۲۰۱۵). همچنین، مشارکت سیاسی می‌تواند بر ارتقاء شفافیت و شرکت در روند تصمیم‌گیری سیاسی تأثیر بگذارد. افرادی که در فعالیت‌های سیاسی مشارکت می‌کنند، می‌توانند نیازها و مشکلات جامعه را به مسئولین و سیاست‌گذاران مطرح کنند و بهبودهای لازم را در سیاست‌ها و تصمیمات دولتی ایجاد کنند. به‌طور کلی، مشارکت سیاسی می‌تواند افراد را به‌عنوان شهروندان فعال و ذی‌نفع در فرآیند سیاسی توانمند سازد و ارتباط بین مردم و دولت را تقویت کند (پالیزبان، ۱۳۹۰). عضویت و فعالیت در احزاب سیاسی می‌تواند باعث افزایش انگیزه و همبستگی با یک گروه سیاسی خاص شود. افراد می‌توانند از طریق فعالیت در احزاب، نیازها و اهداف خود را به اشتراک بگذارند و عمل به‌عنوان یک تیم هماهنگ به دنبال تحقق اهداف سیاسی خود بروند (رفیعی، ۱۳۹۷). برای تبیین مشارکت سیاسی و اصولاً هرگونه رفتار سیاسی در کلی‌ترین سطح دو دیدگاه رقیب وجود دارد: انتخاب عاقلانه و مکتب جامعه‌شناختی. در مکتب انتخاب عاقلانه که آنتونی داونز مهم‌ترین نظریه‌پرداز آن است، هرگونه رفتار سیاسی حاصل تصمیم فردی بازیگر است که به‌طور عاقلانه از میان گزینه‌های مختلف که در یک وضعیت خاص پیش روی اوست گزینه‌ای را انتخاب کند که به بهترین نحو اهداف او را تأمین می‌نماید آنتونی داونز در چهارچوب مکتب انتخاب عاقلانه تبیینی تئوریک از رفتار رأی‌دهی مردم ارائه داده است که می‌تواند به برخی انواع دیگر مشارکت سیاسی نیز قابل تعمیم باشد ۳. هر رأی‌دهنده بالقوه بر اساس محاسبه عقلانی عمل می‌کند و در جریان مبارزه انتخاباتی با ارزیابی دولتی که بر سرکار بوده و مقایسه آن با ادعاها و برنامه‌های احزاب مخالف و با در نظر گرفتن منافی که انتظار می‌رود از پیروزی این یا آن حزب عاید شخص او شود دست به‌گزینش می‌زند. رأی‌دهندگان انتخاب‌کنندگان عاقلی‌اند که شرکت در انتخابات را وسیله‌ای برای تأمین منافع شخصی خود تلقی می‌کنند (سید امامی، ۱۳۸۶). اولسون معتقد است که نفع شخصی عقلانی فرد را وادار می‌کند که هزینه‌های مشارکت در گروه یا عمل جمعی را در مقابل منافع آن بسنجد. وی عقلانیت را عامل قوی برای مشارکت سیاسی می‌داند. داونز و اولسون هر دو بر عقلانیت در مشارکت سیاسی تأکید دارند (راش، ۱۳۷۷). در مکتب جامعه‌شناختی، عمل فردی و گروهی برگرفته‌شده از ارزش‌ها و هنجارهای موجود در جامعه است؛ لذا تحلیل مشارکت سیاسی در پرتو مطالعه عواملی چون شرایط جامعه‌پذیری سیاسی افراد، فرهنگ سیاسی، سیستم‌های گروهی و سایر شرایط مربوط به محیط اجتماعی امکان‌پذیر می‌شود. یکی از نظریه‌های جامعه‌شناختی نظریه منابع است که در آن ادعا می‌شود برخی منابع اجتماعی و اقتصادی - از جمله تحصیلات، شغل و درآمد - بر مشارکت سیاسی افراد تأثیر می‌گذارند. دسترسی نابرابر افراد به این‌گونه منابع در شکل‌گیری سبک زندگی، شبکه‌های اجتماعی و انگیزه‌های افراد مؤثر است؛ بنابراین رفتار مشارکتی افراد را باید برحسب عضویت آنان در گروه‌های شغلی، تحصیلی و غیره توضیح داد (سید امامی، ۱۳۸۶). هانتینگتون و نلسون مشارکت سیاسی را از عوامل اصلی توسعه سیاسی می‌دانند. آنان مشارکت سیاسی را تابع دو عامل نگرش و اولویت‌های نخبگان سیاسی و وضع گروه‌ها و انجمن‌ها و نهادهای اجتماعی واسطه در خود جامعه می‌دانند و معتقدند که فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی از طریق دو مجرا می‌تواند سرانجام به گسترش مشارکت سیاسی و اجتماعی بیانجامد:

الف. مجرای تحرک اجتماعی به این معنی که کسب منزلت‌های بالاتر اجتماعی به‌نوبه خود در فرد احساس توانایی و نگرش‌های معطوف به توانایی و تأثیر نهادن بر تصمیم‌گیری‌های دستگاه‌های عمومی را ایجاد می‌کند و این عوامل ذهنی در مجموع می‌تواند مشوق مشارکت در سیاست و فعالیت‌های اجتماعی باشد. در این حالت منزلت اجتماعی بالاتر و احساس توانایی و مؤثر بودن از نظر سیاسی به‌عنوان متغیرهای میانی، مشوق مشارکت اجتماعی و سیاسی می‌شود. به نظر این دو نویسنده، از میان متغیرهای منزلتی، میزان سواد یا تحصیلات فرد بیشترین تأثیر را بر مشارکت سیاسی دارد.

ب. مجرای سازمانی یعنی عضویت و مشارکت فعال در انواع گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی (اتحادیه‌های شغلی و صنفی، گروه‌های مدافع علائق خاص و نظایر آن‌ها) است که احتمال مشارکت در فعالیت اجتماعی و سیاسی را بیشتر می‌کند. این عوامل در جوامعی که فرصت‌های تحرک فردی در آن‌ها محدودتر است، اهمیت بیشتری دارد زیرا همان‌طور که گفته شد فرد برای رسیدن به وضع اجتماعی و اقتصادی بهتر به‌عنوان آخرین راه‌حل به فعالیت در سازمان‌های اجتماعی یا احزاب سیاسی می‌پردازد اما به‌طور کلی دخالت در فعالیت سازمان‌ها در تبیین تفاوت سطوح مشارکت سیاسی، از منزلت اجتماعی - اقتصادی مهم‌تر است.

با این حال، تأثیر فعالیت احزاب بر رفتار سیاسی جامعه می‌تواند جنبه‌های مثبت و منفی داشته باشد. به‌طور مثال، فعالیت احزاب می‌تواند به دیدگاه‌ها و افکار مختلف در جامعه روبه‌رو شود و به بروز اختلافات و تقابلات سیاسی منجر شود. همچنین، احزاب ممکن است تأثیرگذاری بیش‌ازحد در رفتار سیاسی افراد داشته باشند و تمایل به رأی دادن بر اساس ایدئولوژی و عضویت حزبی را ترویج کنند. این ممکن است به آگاهی و تحلیل منطقی از گزینه‌های سیاسی کاسته و تفکر خودمختار را کاهش دهد. به‌طور کلی، تأثیر فعالیت احزاب بر رفتار سیاسی جامعه پیچیده است و به عوامل مختلف مثل برنامه‌ها، ایدئولوژی و شیوه فعالیت هر احزاب بستگی دارد (فیرحی، ۱۳۹۶). تشکل‌های اجتماعی نیز می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر رفتار سیاسی جامعه داشته باشند. این تشکل‌ها ممکن است به شکل‌گیری عقاید، ارزش‌ها، هویت‌ها و انگیزه‌های سیاسی در نفوس افراد کمک کنند و بستری برای شرکت فعال در فرایند سیاسی فراهم سازند. تشکل‌های اجتماعی، افراد را قادر می‌سازند تا از طریق تعاملات اجتماعی با سایر اعضا تجربیات، دیدگاه‌ها و اطلاعات سیاسی را به اشتراک بگذارند. این تبادلات می‌تواند بر بروز و تقویت انگیزه‌های سیاسی و مشارکت شهروندان در فعالیت‌های سیاسی مؤثر باشد. علاوه بر این، تشکل‌های اجتماعی می‌توانند انگیزه و تعهد اعضا را برای شرکت در رویدادها، راهپیمایی‌ها، کمپین‌ها و انجام فعالیت‌های سیاسی افزایش دهند. این تشکل‌ها مکان‌هایی برای بحث و تبادل نظر درباره مسائل سیاسی فراهم می‌کنند و می‌توانند به شکل‌گیری نیروهای فعال در جامعه کمک کنند (مدبر، ۱۳۹۴). به‌طور کلی، تشکل‌های اجتماعی می‌توانند نقش مؤثری در تقویت رفتار سیاسی جامعه داشته باشند، اما تأثیر آن‌ها ممکن است به وضعیت هر جامعه و فرهنگ سیاسی آن بستگی داشته باشد.

نظر کارشناسان در مورد تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر تغییرات اجتماعی بر رفتار سیاسی جامعه بسیار گسترده است. بسیاری از محققان و نظریه‌پردازان به این نکته پی برده‌اند که تغییرات اجتماعی، شامل عواملی مانند فناوری، رسانه‌ها، تحولات اقتصادی و فرهنگی، نقش مهمی در تعیین مشارکت سیاسی، فعالیت احزاب و تشکل‌های اجتماعی دارند. به‌طور کلی، برخی از نظریه‌پردازان معتقدند که تغییرات اجتماعی می‌تواند به شکلی مستقیم و بی‌واسطه بر روی مشارکت سیاسی و فعالیت احزاب تأثیر بگذارد. به‌عنوان مثال، رشد تکنولوژی و ارتباطات ممکن است به فعالیت‌های آنلاین و رسانه‌های اجتماعی منجر شود که در افزایش مشارکت سیاسی روزمره شهروندان تأثیرگذار است. دیگر نظریه‌پردازان معتقدند که تغییرات اجتماعی، شرایط و زمینه‌هایی را فراهم می‌کنند که بیانگر نیازهای جدید و تغییر تمایلات جامعه هستند. این تغییرات ممکن است به شکلی غیرمستقیم بر روی مشارکت سیاسی و ساختار و فعالیت احزاب تأثیر بگذارد. تحلیل جامعه‌شناختی، به‌عنوان یک رویکرد پژوهشی در علوم اجتماعی، به بررسی اثرات و تأثیرات تغییرات اجتماعی بر رفتار سیاسی جامعه می‌پردازد، از جمله مواردی مانند مشارکت سیاسی، فعالیت احزاب و تشکل‌های اجتماعی. این روش تلاش می‌کند تا با بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی که بیشترین تأثیر را بر این رفتارها دارند، الگوهای موجود را شناسایی و تجزیه و تحلیل کند. در مدرنیته به افزایش پیچیدگی جوامع، افزایش تنوع فرهنگی و تکنولوژی، تحلیل جامعه‌شناختی اجتماع به‌عنوان یک ابزار مؤثر در درک رفتار سیاسی افراد و جوامع به‌ویژه در زمینه‌های مشارکت سیاسی، فعالیت احزاب و تشکل‌های اجتماعی، به اهمیت بیشتری دست‌یافته است.

این شیوه تحقیق با محوریت پژوهش‌های اجتماعی و روان‌شناسی، سعی در درک عمیق‌تر رفتاری مانند مشارکت در فرایندهای سیاسی، عضویت در احزاب یا تشکل‌های اجتماعی دارد. از طریق بررسی انگیزه‌ها، اعتقادات، محدودیت‌های اجتماعی و رفتارهای افراد، این حوزه پژوهشی سعی در ارتقای سطح دانش و آگاهی جامعه از علل و روندهای تحولات سیاسی و اجتماعی دارد. با توجه به اهمیت بیشتری که به تفهیم و تحلیل رفتار سیاسی جامعه اختصاص یافته است، تحلیل جامعه‌شناختی نقش اساسی در تدوین سیاست‌ها، پیش‌بینی روندهای اجتماعی و سیاسی و ایجاد جوامعی پویا و سالم با مشارکت مردمی فعال، ایفا می‌کند.

حال با توجه به بیان مسئله ارائه‌شده این تحقیق به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا تغییرات اجتماعی بر رفتار سیاسی جامعه تأثیرگذار است؟

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تغییرات اجتماعی و تأثیر آن بر رفتار سیاسی جامعه موضوعی پیچیده و چندبعدی است. در اینجا به برخی از مؤلفه‌های کلیدی مبانی نظری این موضوع می‌پردازیم:

۱. تغییرات اجتماعی:

تغییرات اجتماعی به تحولاتی اشاره دارد که در الگوهای زندگی، رفتار، ارزش‌ها و نهادهای اجتماعی رخ می‌دهند. این تغییرات می‌توانند ناشی از عوامل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و تکنولوژیکی باشند. رشد اقتصادی، تغییرات تکنولوژیکی، مهاجرت، جهانی‌سازی و تغییرات اجتماعی - فرهنگی از جمله عواملی هستند که بر رفتار سیاسی تأثیر می‌گذارند (بنت، ۲۰۲۰).

۲. رفتار سیاسی:

اشاره به فعالیت‌های مدنی، رأی‌گیری، عضو شدن در احزاب و تشکلهای اجتماعی دارد. تغییرات اجتماعی ممکن است باعث افزایش یا کاهش این نوع مشارکت شود. نهادهای اجتماعی مثل خانواده، مدرسه و رسانه‌ها نقش مهمی در شکل‌دهی به رفتار سیاسی افراد دارند.

۳. فعالیت احزاب و تشکلهای اجتماعی:

نقش احزاب: احزاب سیاسی به‌عنوان نهادهای سازمان‌یافته همواره تحت تأثیر تغییرات اجتماعی قرار دارند. تغییر در ارزش‌های اجتماعی و نیازهای عمومی می‌تواند به تغییر در برنامه‌های سیاسی احزاب منجر شود. تشکلهای اجتماعی: این تشکلهای، مانند NGO ها، به‌عنوان کاتالیزورهای تغییرات اجتماعی و سیاسی عمل می‌کنند و می‌توانند در ایجاد آگاهی و مشارکت سیاسی مؤثر باشند (توش، ۲۰۲۰).

۴. تحلیل جامعه‌شناختی:

نظریه‌های مختلفی از جمله نظریه ساختاری-کارکردی، نظریه کنش متقابل نمادین و نظریه تضاد اجتماعی می‌توانند به تحلیل تعامل بین تغییرات اجتماعی و رفتار سیاسی کمک کنند. استفاده از روش‌های تحقیق کیفی و کمی برای بررسی چگونگی تأثیر تغییرات اجتماعی بر مشارکت سیاسی و فعالیت‌های سیاسی. این مبانی نظری می‌تواند به شناخت بهتر تعاملات پیچیده میان تغییرات اجتماعی و رفتار سیاسی در جوامع مختلف کمک کند. برای تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر تغییرات اجتماعی بر رفتار سیاسی جامعه (مشارکت سیاسی، فعالیت احزاب و تشکلهای اجتماعی)، مبانی نظری مختلفی وجود دارد که به بررسی این موضوع می‌پردازند. در ادامه به برخی از مهم‌ترین مبانی نظری اشاره می‌کنم:

۱. نظریه‌های اجتماعی-اقتصادی

نظریه مدرنیزاسیون: این نظریه اشاره دارد به اینکه با پیشرفت اقتصادی و اجتماعی، تحولاتی در رفتار سیاسی افراد نیز به وجود می‌آید. افزایش سطح تحصیلات و آگاهی اجتماعی معمولاً به معنای افزایش مشارکت سیاسی است. توسعه اقتصادی و سیاسی: ارتباط بین رشد اقتصادی و دموکراسی نشان‌دهنده آن است که جوامع در حال توسعه با بهبود شرایط اقتصادی به سمت مشارکت سیاسی بیشتر می‌روند (هسو، ۲۰۲۰).

۲. نظریه‌های فرهنگی

نظریه‌های هویت: تغییرات در هویت‌های فرهنگی یا مسائل اجتماعی (مانند نژاد، جنسیت و طبقه اجتماعی) می‌تواند تأثیر زیادی بر شکل‌گیری رفتار سیاسی و مشارکت افراد داشته باشد. خردگرایی اجتماعی: این نظریه به بررسی نحوه ارزش‌گذاری افراد به مشارکت سیاسی بر اساس انتظارات اجتماعی و فرهنگی می‌پردازد.

۳. نظریه‌های سیاسی

نظریه نهادگرایی: نهادها به‌عنوان ساختارهای اجتماعی تأثیرگذار بر رفتار سیاسی افراد عمل می‌کنند. تغییر در نهادهای سیاسی (مانند احزاب و تشکلهای) می‌تواند بر الگوهای رفتار سیاسی تأثیرگذار باشد. نظریه تضاد: این نظریه به عدم توافق‌ها و کشمکش‌های اجتماعی توجه دارد که ممکن است منجر به ظهور و فعالیت احزاب و گروه‌های اجتماعی جدید شود (دالتون، ۲۰۲۱).

۴. نظریه‌های تحولی

نظریه تحول اجتماعی: تحولات اجتماعی (مثل انقلاب‌ها، جنبش‌های اجتماعی و بحران‌ها) می‌توانند به تغییرات عمیق در رفتار سیاسی و مشارکت اجتماعی منجر شوند. نظریه‌های تغییرات ساختاری: این نظریه‌ها بر تأثیر تغییرات در ساختار اقتصادی و اجتماعی بر رفتار سیاسی تأکید دارند (دلی، ۲۰۲۰: ۲۵). فعالیت احزاب سیاسی در تعیین سیاست‌ها و راهبردهای سیاسی تأثیر گسترده‌ای دارد. آن‌ها با مطرح کردن مسائل مهم، ارائه راهکارها و برنامه‌های خود، سیاست‌های دولت و سازمان‌های مرتبط را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. احزاب سیاسی نقش مهمی در آموزش و اطلاع‌رسانی به جامعه دارند. آن‌ها با ارائه ایده‌ها، دیدگاه‌ها و اطلاعات مربوط به مسائل سیاسی، مردم را آگاه‌تر و بازگشت‌پذیرتر به سیاست می‌کنند. احزاب سیاسی می‌توانند برای تغییرات و اصلاحات در سیستم سیاسی و اجتماعی تلاش کنند. آن‌ها با اعلام اهداف و تقویت شبکه‌های اجتماعی و سیاسی، قدرت تحرک و تأثیرگذاری بیشتری دارند. فعالیت احزاب سیاسی کمک می‌کند تا تعادل

قدرت بین گروه‌ها و نیروهای مختلف در جامعه حفظ شود. آن‌ها با حضور در فرایند تصمیم‌گیری و تعیین سیاست‌ها، به تعدیل قدرت ساختارهای قدرتمند می‌پردازند. فعالیت احزاب سیاسی اهمیت بسیاری در رفتار سیاسی جامعه دارد، زیرا آن‌ها به‌عنوان نمایندگان مردم، سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های دولت و نظام سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و با اظهار نظر، آموزش و مبارزه، تغییرات مؤثری را ممکن می‌سازند (مدیر، ۱۳۹۴). تشکل‌های اجتماعی نیز نقش بسیار مهمی در رفتار سیاسی جامعه ایفا می‌کنند. این تشکل‌ها که شامل گروه‌ها، سازمان‌ها، جنبش‌ها و انجمن‌های مختلف می‌شوند، توانایی تعبیر، نمایندگی و رساندن نیازها و خواسته‌های اعضای جامعه را دارند. تشکل‌های اجتماعی به‌عنوان نمایندگان و رسانندگان نیازها و خواسته‌های اعضای جامعه عمل می‌کنند. آن‌ها از طریق بیان دیدگاه‌ها، پیشنهادات و اعتراضات اعضا، در فرایند تصمیم‌گیری‌های سیاسی شرکت می‌کنند و به نیازها و مسائل اجتماعی توجه می‌کنند. تشکل‌های اجتماعی افراد را برای مشارکت و فعالیت شهروندی درباره مسائل سیاسی و اجتماعی ترغیب می‌کنند. آن‌ها با برگزاری تجمعات، کنفرانس‌ها، اعتراضات و فعالیت‌های عمومی، شهروندان را به شرکت در فرایند تصمیم‌گیری و تحقق تغییرات ملحق می‌سازند. تشکل‌های اجتماعی دارای نقش مهمی در بهبود اطلاع‌رسانی و آگاهی عمومی هستند. آن‌ها با برگزاری نشست‌ها، کارگاه‌ها و توزیع اطلاعات، مردم را از مسائل سیاسی و اجتماعی مطلع و آگاه می‌کنند. با توسعه و فعالیت تشکل‌های اجتماعی، تغییرات اجتماعی و پیشرفت‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی قابل توجهی رقم می‌خورد. آن‌ها با تأمین حقوق و آزادی‌ها، مبارزه با نابرابری‌ها و حمایت از گروه‌های ضعیف‌تر، به بهبود رفاه و شرایط زندگی افراد کمک می‌کنند. تشکل‌های اجتماعی می‌توانند به حفظ تعادل قدرت در جامعه کمک کنند. آن‌ها با نظارت بر عملکرد دولت و سازمان‌های قدرتمند، ایجاد چک و تعادل در سیستم سیاسی را حمایت می‌کنند (رضایی، ۱۴۰۰).

۳. پیشینه موضوع

سید امامی و همکاران (۱۳۸۵). در پژوهشی با عنوان «ارزش‌ها و نگرش‌ها و رفتار سیاسی جوانان» به ارزیابی علمی قضاوت‌های مختلف در زمینه ابعاد سیاسی زندگی جوانان پرداخته و رفتار سیاسی آنان را مورد توصیف، تحلیل و تبیین قرار داده‌اند. هدف‌های این پژوهش شامل: الف) بررسی اشکال مختلف مشارکت سیاسی جوانان و نحوه تحولات آن؛ ب) سنجش ارزش‌ها، نگرش‌ها و دیدگاه‌های جوانان در خصوص مهم‌ترین مقولات سیاسی کشور، ج) ارائه گونه‌شناسی رفتار سیاسی جوانان، بوده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در تمامی خرده‌مقیاس‌های مورد استفاده برای سنجش ارزش‌های سیاسی جوانان، پاسخگویان وضعیت مناسبی از اعتقاد به ارزش‌های سیاسی اصلی را از خود به نمایش گذاشته‌اند که با افزایش سطح تحصیلات پاسخگویان و والدین آنان از اعتقاد به ارزش‌های سیاسی کاسته می‌شود و نگرش آنان به سیاست داخلی و خارجی به سمت منفی شدن سوق می‌یابد. هرچند میزان اعتماد سیاسی جوانان در مجموع بالاست، اما نتایج پژوهش حاکی از اعتماد ضعیف پاسخگویان به برخی نهادهاست. در مجموع نگرش به دولت در سال مورد نظر مثبت‌تر از نگرش به قوای دیگر بوده است. احزاب و جریان‌های سیاسی علاوه بر کسب نمره پایین در خرده‌مقیاس اعتماد سیاسی در خرده‌مقیاس نگرشی نیز نمره پایین کسب کرده‌اند. با وجود درصد بالای اعلام‌شده در مورد عضویت در برخی نهادها، درصد مشارکت واقعی در فعالیت‌ها و یا انجام کار داوطلبانه برای این نهادها توسط جوانان عضو پایین است. این امر نشانه‌ صوری بودن عضویت در بسیاری از موارد و نیز مشارکت منفعلانه در موارد دیگر است. مهم‌ترین موانع مشارکت سیاسی که از سوی جوانان اعلام‌شده عبارت است از: ترجیحات فردی، دسترسی نداشتن به راه‌های مشارکت سیاسی، آگاهی نداشتن از نحوه مشارکت.

سید امامی (۱۳۸۶). در پژوهش دیگری تحت عنوان «مشارکت سیاسی دانشجویان: ارزیابی برخی از پیش‌بینی‌کننده‌های مشارکت سیاسی» به استناد یافته‌های پیمایشی که درباره اشکال و سطوح مشارکت سیاسی دانشجویان به دست آمد، یکی از نظریه‌های جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی یعنی «نظریه منابع» مورد ارزیابی قرار داده و برخی منابع مورد ادعای این نظریه به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های مشارکت سیاسی مورد بررسی قرار گرفته است. نظریه منابع یکی از نظریه‌های جامعه‌شناختی است که در آن ادعا می‌شود برخی منابع اجتماعی-اقتصادی از جمله تحصیلات، شغل و درآمد بر مشارکت سیاسی افراد تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین رفتار مشارکتی افراد را باید برحسب عضویت آنان در گروه‌های شغلی، درآمدی، تحصیلی و غیره توضیح داد. منابع روان‌شناختی نیز در تبیین‌های جدیدتر مشارکت سیاسی مورد توجه قرار گرفته‌اند. از جمله این منابع می‌توان علاقه به سیاست، احساس اثربخشی سیاسی، اعتماد به دولت و وظیفه مدنی را نام برد. نتایج حاصل از این پژوهش: اول- تفاوت در منابع اجتماعی-اقتصادی دانشجویان (مانند تحصیلات و درآمد خانواده) تفاوت معناداری را در رفتار مشارکتی آنان سبب نمی‌شود. دوم- علاقه به سیاست و پیگیری اخبار و مسائل سیاسی از رسانه‌ها یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های مشارکت سیاسی دانشجویان در ایران به شمار می‌رود؛ اگرچه این دو متغیر الزاماً رفتار رأی‌دهی دانشجویان را پیش‌بینی نمی‌کنند. سوم- حس اثربخشی سیاسی به‌عنوان یکی از منابع روان‌شناختی در هر دو بعد اثربخشی درونی و بیرونی رابطه معناداری با مشارکت سیاسی آنان دارد، اگرچه مشارکت رأی‌دهی ظاهراً در مورد دانشجویان رابطه محکمی با حس اثربخشی سیاسی آنان ندارد. چهارم- دین‌داری یا مذهبی بودن در چهارچوب نظام سیاسی ایران تا حدودی بر مشارکت سیاسی دانشجویان تأثیر مثبت دارد. پنجم- رفتار رأی‌دهی دانشجویان را نمی‌توان در همه زمینه‌ها هم‌تراز یا شبیه سایر رفتارهای

مشارکتی آنان دانست. ششم- نظریه منابع برای مطالعه رفتار سیاسی جوانان ایرانی به‌طور کلی مفید است، اما با توجه به ویژگی‌های جامعه ایران نیاز به اصلاح و تعدیل دارد.

طاعت (۱۳۷۴). در پژوهشی با عنوان «نظام انتخاباتی و نظام سیاسی، مطالعه فرایند دموکراتیزاسیون در ایران» به مطالعه فرایند دموکراتیزاسیون و تحول گفتمان‌های سیاسی در ایران سده حاضر پرداخته است. وی در این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ به این سؤال بوده است که نظام انتخاباتی در تعامل با نظام سیاسی چه تأثیری بر فرایند دموکراتیزاسیون دارد؟ محقق در پاسخ به سؤال تحقیق، رابطه تعاملی میان نظام انتخاباتی و نظام سیاسی که به تعبیر دیوید ایستون ۲۰ مجموعه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌های متقابل تعریف می‌شود، مورد پژوهش قرار داده است. بر اساس نتایج تحقیق مورد بحث، فرایند دموکراتیزاسیون به‌جای حرکت خطی از حرکت سینوسی برخوردار است. همچنین چالش میان اقتدارگرایی و دموکراسی خواهی علاوه بر شکل بخشی به دوره‌های گذار و تحول در مبانی مشروعیت نظام پاتریمونیالیستی ۲۱ قاجار گفتمان‌های متفاوتی را به وجود آورده است. وی با عنایت به شکل‌گیری گفتمان‌های سیاسی حاکم در اثر تعامل نظام انتخاباتی با نظام سیاسی استدلال می‌کند که برای ایجاد تغییر در ساختار قدرت سیاسی می‌توان دگرگونی‌هایی در نظام انتخاباتی به وجود آورد و یا بالعکس.

نتایج تحقیقات لیپست در خصوص فعالیت‌های سیاسی در کشورهای آلمان، سوئد، نروژ و فنلاند و ... اشاره کرد. نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد که تفاوت‌های شهری و روستایی در برخی مشارکت‌های سیاسی مانند انتخابات وجود دارد؛ ولی شامل برخی دیگر نمی‌شود. در کشورهای که دارای سنت‌های قدیمی رهبری جمعی هستند، مشارکت در مناطق روستایی بیش از مناطق شهری است. لیپست به این نتیجه می‌رسد که الگوی مشارکت سیاسی در مورد شرکت در انتخابات در کشورهای مختلف یکسان است. مردان بیش از زنان، تحصیل کرده‌ها بیش از افراد کمتر آموزش دیده، شهرنشینان بیش از روستائیان، افراد میان‌سال بیش از جوانان و کهن‌سالان، متأهلین بیش از مجردین، افراد دارای منزلت بالا بیش از افراد دارای منزلت پایین و افرادی که عضو سازمان هستند، بیش از افرادی که عضویت ندارند، در انتخابات شرکت می‌کنند. دی. ال. شت ضمن تأکید بر متغیرهای درآمد، شغل، تحصیلات و مجموع شاخص‌های پایگاه اقتصادی و اجتماعی با شهرنشینی، عضویت سازمانی مؤثر در میزان مشارکت سیاسی افراد گویای آن است که سواد یکی از متغیرهای بسیار قدرتمند و مؤثر بر میزان مشارکت است. تحقیقات گذشته در این زمینه به بررسی انواع تغییرات اجتماعی و تأثیرات آن‌ها بر مشارکت سیاسی و فعالیت احزاب و تشکلهای پرداخته‌اند. به‌عنوان مثال، در سال‌های اخیر پژوهش‌هایی نشان داده‌اند که تغییرات اقتصادی می‌تواند انگیزه‌های سیاسی افراد را افزایش دهد. مطالعاتی در کشورهای در حال توسعه نشان داده‌اند که در شرایط بیکاری و بحران اقتصادی، تمایل به مشارکت در جنبش‌های اجتماعی و سیاسی بیشتر می‌شود.

علاوه بر این، پژوهش‌های جامعه‌شناسی همچنین به ارتباط میان تغییرات فرهنگی و مشارکت سیاسی پرداخته‌اند. برخی از محققان تأکید دارند که تغییرات در ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی می‌تواند به ایجاد هویت‌های سیاسی جدید و تقویت جنبش‌های اجتماعی منجر شود. برای مثال، تغییرات در نگرش مردم نسبت به حقوق اقلیت‌ها می‌تواند به شکل‌گیری گروه‌ها و احزاب جدیدی برسد که این مسائل را به‌عنوان اولویت‌های سیاسی خود قرار می‌دهند.

۴. مواد و روش‌ها

۴.۱. روش پژوهش

روش تحقیق کمی و کیفی ترکیبی است. که روش کمی از نوع پیمایشی است. تحقیق پیمایشی روشی برای بررسی توزیع ویژگی‌های یک جامعه از طریق گردآوری داده است. برخی این روش را معادل گردآوری اطلاعات از طریق پرسشنامه می‌دانند اما در واقع پیمایش فراتر از صرفاً گردآوری داده‌ها و یکی از انواع روش تحقیق محسوب می‌شود. اگرچه پرسشنامه در این روش کاربرد گسترده‌ای دارد، اما برای جمع‌آوری اطلاعات می‌توان از فنون دیگر استفاده کرد. پیمایش، مجموعه‌ای از روش‌های منظم و استاندارد است که برای جمع‌آوری اطلاعات درباره افراد، خانواده‌ها و یا مجموعه‌های بزرگ‌تر مورد استفاده قرار می‌گیرد و همچنین روشی برای به دست آوردن اطلاعاتی درباره‌ی دیدگاه‌ها، باورها، نظرات، رفتارها یا مشخصات گروهی از اعضای یک جامعه آماری از راه انجام تحقیق است. و همچنین در روش کیفی از روش تحلیل محتوا، اسنادی و تاریخی استفاده شد. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل زنان و مردان ۱۸ تا ۶۵ سال بعد از سال ۱۳۸۸ در ایران می‌باشد؛ که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۱۰۰ نفر برای پاسخ به سؤالات پرسشنامه انتخاب شدند. برای نمونه‌گیری در این تحقیق از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

۴.۲. تعیین پایایی ابزار سنجش

برای اطمینان از عدم ابهام در سؤالات و همچنین بومی کردن مقیاس‌ها و انطباق هر چه بیشتر با جامعه آماری، اقدام به انجام مطالعات اولیه و تعیین اعتبار پرسشنامه گردید بدین منظور پرسشنامه به‌طور آزمایشی بین ۳۰ نفر از افراد جامعه نمونه توزیع گردید در این پژوهش به‌منظور سنجش اعتبار پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. با استفاده از نرم‌افزار SPSS27 ضریب آلفای کرونباخ محاسبه گردید

که مقدار آلفای کرونباخ به دست آمده برای تمامی پرسشنامه‌ها بالای ۰/۷ است که نشان‌دهنده این است که این پرسشنامه از اعتبار بالایی برخوردار است.

۴.۳. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

جهت پردازش داده‌های به دست آمده در این پژوهش از روش همبستگی پیرسون با کمک نرم‌افزار spss27 به تجزیه و تحلیل فرضیه‌های پژوهش پرداخته شد.

۵. یافته‌ها

به نظر می‌رسد تغییرات اجتماعی بر رفتار سیاسی جامعه تأثیرگذار است.
فرضیه آماری:

به نظر می‌رسد تغییرات اجتماعی بر رفتار سیاسی جامعه تأثیرگذار نیست: H_0

به نظر می‌رسد تغییرات اجتماعی بر رفتار سیاسی جامعه تأثیرگذار است: H_1

جدول ۱. ضرایب همبستگی پیرسون بین تغییرات اجتماعی بر رفتار سیاسی

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
تغییرات اجتماعی بر رفتار سیاسی	۰/۱۷۱	۰/۰۰۰*

ضریب همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار است

همان‌طور که از (۱) ملاحظه می‌گردد، ضریب همبستگی پیرسون میان تغییرات اجتماعی بر رفتار سیاسی ۰/۱۷۱ می‌باشد و سطح معنی‌داری مربوط به آن ۰/۰۰۰ از ۰/۰۵ کوچک‌تر می‌باشد که در نتیجه فرض H_0 رد می‌شود که به معنای آن است که این میزان همبستگی از لحاظ آماری معنادار می‌باشد، در نتیجه با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت به نظر می‌رسد تغییرات اجتماعی بر رفتار سیاسی جامعه تأثیرگذار است. به دلیل مثبت بودن ضریب همبستگی رابطه از نوع مستقیم می‌باشد و فرضیه محقق توسط داده‌ها و نتایج مورد حمایت قرار می‌گیرد دو در نتیجه ادعای محقق تأیید می‌گردد.

آزمون فرضیه‌ها (فرضیه اول)

ادعای محقق:

به نظر می‌رسد تغییرات اجتماعی بر مشارکت سیاسی تأثیرگذار است.

فرضیه آماری:

به نظر می‌رسد تغییرات اجتماعی بر مشارکت سیاسی تأثیرگذار نیست: H_0

به نظر می‌رسد تغییرات اجتماعی بر مشارکت سیاسی تأثیرگذار است: H_1

جدول ۲. ضرایب همبستگی پیرسون میان تغییرات اجتماعی بر مشارکت سیاسی

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
تغییرات اجتماعی بر مشارکت سیاسی	۰/۱۳۷	۰/۰۰۰*

ضریب همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار است

همان‌طور که از جدول (۲) ملاحظه می‌گردد، ضریب همبستگی پیرسون میان تغییرات اجتماعی بر مشارکت سیاسی ۰/۱۳۷ می‌باشد و سطح معنی‌داری مربوط به آن ۰/۰۰۰ از ۰/۰۵ کوچک‌تر می‌باشد که در نتیجه فرض H_0 رد می‌شود که به معنای آن است که این میزان همبستگی از لحاظ آماری معنادار می‌باشد، در نتیجه با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت، تغییرات اجتماعی بر مشارکت سیاسی تأثیرگذار است. به دلیل مثبت بودن ضریب همبستگی رابطه از نوع مستقیم می‌باشد و فرضیه محقق توسط داده‌ها و نتایج مورد حمایت قرار می‌گیرد دو در نتیجه ادعای محقق تأیید می‌گردد.

آزمون فرضیه‌ها (فرضیه دوم)

ادعای محقق:

به نظر می‌رسد تغییرات اجتماعی بر فعالیت احزاب تأثیرگذار است.

فرضیه آماری:

به نظر می‌رسد تغییرات اجتماعی بر فعالیت احزاب تأثیرگذار نیست: H_0

به نظر می‌رسد تغییرات اجتماعی بر فعالیت احزاب تأثیرگذار است: H_1

جدول ۳. ضرایب همبستگی پیرسون بین تغییرات اجتماعی بر فعالیت احزاب

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی داری
تغییرات اجتماعی بر فعالیت احزاب	۰/۱۶۲	۰/۰۰۰

ضریب همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنی دار است.

همان‌طور که از جدول (۳) ملاحظه می‌گردد، ضریب همبستگی پیرسون میان تغییرات اجتماعی بر فعالیت احزاب ۰/۱۶۲ می‌باشد و سطح معنی داری مربوط به آن ۰/۰۰۰ از ۰/۰۵ کوچک‌تر می‌باشد که در نتیجه فرض H_0 رد می‌شود که به معنای آن است که این میزان همبستگی از لحاظ آماری معنادار می‌باشد، در نتیجه با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت، تغییرات اجتماعی بر فعالیت احزاب تأثیرگذار است. به دلیل مثبت بودن ضریب همبستگی رابطه از نوع مستقیم می‌باشد و فرضیه محقق توسط داده‌ها و نتایج مورد حمایت قرار می‌گیرد و در نتیجه ادعای محقق تأیید می‌گردد.

آزمون فرضیه‌ها (فرضیه سوم)

ادعای محقق:

به نظر می‌رسد تغییرات اجتماعی بر تشکل‌های اجتماعی تأثیرگذار است.

فرضیه آماری:

به نظر می‌رسد تغییرات اجتماعی بر تشکل‌های اجتماعی تأثیرگذار نیست: H_0

به نظر می‌رسد تغییرات اجتماعی بر تشکل‌های اجتماعی تأثیرگذار است: H_1

جدول ۴. ضرایب همبستگی پیرسون بین تغییرات اجتماعی بر تشکل‌های اجتماعی

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی داری
تغییرات اجتماعی بر تشکل‌های اجتماعی	۰/۲۶۸	۰/۰۰۱

ضریب همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنی دار

همان‌طور که از جدول (۴) ملاحظه می‌گردد، ضریب همبستگی پیرسون میان تغییرات اجتماعی بر تشکل‌های اجتماعی ۰/۲۶۸ می‌باشد و سطح معنی داری مربوط به آن ۰/۰۰۱ از ۰/۰۵ کوچک‌تر می‌باشد که در نتیجه فرض H_0 رد می‌شود که به معنای آن است که این میزان همبستگی از لحاظ آماری معنادار می‌باشد، در نتیجه با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت، تغییرات اجتماعی بر تشکل‌های اجتماعی تأثیرگذار است. به دلیل مثبت بودن ضریب همبستگی رابطه از نوع مستقیم می‌باشد و فرضیه محقق توسط داده‌ها و نتایج مورد حمایت قرار می‌گیرد و در نتیجه ادعای محقق تأیید می‌گردد.

۶. نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات

نتایج حاصل از فرضیه اصلی به نظر می‌رسد تغییرات اجتماعی بر رفتار سیاسی جامعه تأثیرگذار است. از آنجایی که سطح معنی داری $\text{sig} < 0.001$ کوچک‌تر از سطح خطای ۵ درصد می‌باشد لذا فرض H_0 رد و فرض H_1 پذیرفته می‌شود یعنی تغییرات اجتماعی بر رفتار سیاسی جامعه تأثیرگذار است. مقدار همبستگی بین این دو متغیر ۰/۱۷۱ می‌باشد. تبیین فرضیه تغییرات اجتماعی بر رفتار سیاسی جامعه، یک موضوع پژوهش محور و متأثر از عوامل متعددی است که شامل تغییرات اقتصادی، فرهنگی، تکنولوژیکی و ساختاری می‌شود. تغییرات اجتماعی به تغییرات عمده و پایدار در ساختارها، الگوها و نهادهای اجتماعی اشاره دارد که می‌تواند به دنبال عوامل مختلفی از جمله تغییر فناوری، تغییرات اقتصادی، تغذیه و روابط بین نسلی ایجاد شود. این تغییرات می‌توانند به تدریج یا به‌طور ناگهانی اتفاق بیفتند و بر نگرش‌ها و رفتارهای افراد جامعه تأثیر بگذارند. تحقیقات نشان داده‌اند که تغییرات اجتماعی می‌توانند بر رفتار سیاسی افراد و جوامع تأثیرات عمیقی بگذارند. برخی از این تأثیرات عبارت‌اند از ادراک سیاسی، مشارکت سیاسی و تغییر در هویت‌های سیاسی. شواهد نشان می‌دهند که تغییرات اجتماعی، مانند تحولات اقتصادی یا فرهنگی، می‌توانند ادراک سیاسی افراد از واقعیت‌های اجتماعی را تغییر دهند. به‌عنوان مثال، در دوران بحران اقتصادی، ممکن است افراد به سمت احزاب و جنبش‌های سیاسی خاصی متمایل شوند که وعده‌های اقتصادی بهتری ارائه می‌دهند. همچنین، تغییرات اجتماعی می‌توانند سطح مشارکت سیاسی افراد را تحت تأثیر قرار دهند. شرایط اجتماعی جدید، مانند ظهور فناوری‌های ارتباطی نوین، می‌تواند راه‌های جدیدی برای مشارکت سیاسی فراهم کند و افراد را به سازمان‌دهی و فعالیت‌های سیاسی تشویق کند. تغییرات اجتماعی ممکن است منجر به بروز هویت‌های سیاسی جدید یا تحول در هویت‌های موجود شود. فراگیر شدن شبکه‌های اجتماعی ممکن است باعث شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی جدید و هویتی، مانند جنبش‌های مدنی و حقوق بشر، شده و در نهایت بر رفتار سیاسی افراد تأثیر بگذارد. تحقیقات در زمینه تأثیر تغییرات اجتماعی بر رفتار سیاسی به وسیله محققانی همچون کلاوس اوفر و پیر بوردیو ادامه یافته است. آن‌ها بر این باورند که تغییرات در زمینه‌ها و مکان‌های اجتماعی منجر به ایجاد نظم‌های جدید سیاسی و اجتماعی می‌شود. نظریه جامعه‌پذیری سیاسی که بر اثرات خانواده، رسانه‌ها و نهادهای اجتماعی بر رفتار سیاسی تأکید دارد، نیز به‌وضوح ارتباط بین تغییرات اجتماعی و رفتار سیاسی

را نشان می‌دهد. بر اساس این نظریه، تغییرات در نهادهای اجتماعی و فرهنگ می‌تواند به شکل‌گیری نگرش‌ها و باورهای جدید نسبت به سیاست منجر شود.

نتایج حاصل از فرضیه اول

به نظر می‌رسد تغییرات اجتماعی بر مشارکت سیاسی تأثیرگذار است. از آنجایی که سطح معنی‌داری $\text{sig}(0/000)$ کوچک‌تر از سطح خطای ۵ درصد می‌باشد لذا فرض H_0 رد و فرض H_1 پذیرفته می‌شود یعنی تغییرات اجتماعی بر مشارکت سیاسی تأثیرگذار است. مقدار همبستگی بین این دو متغیر ۰/۱۳۷ می‌باشد. تبیین فرضیه تغییرات اجتماعی بر مشارکت سیاسی جامعه، به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه تغییرات در ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌تواند بر این نوع مشارکت تأثیر بگذارد. مشارکت سیاسی به معنای دخالت افراد در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی است که می‌تواند شامل رأی دادن، فعالیت در احزاب سیاسی، سازمان‌دهی در جنبش‌های اجتماعی و سایر اشکال فعالیت مدنی باشد. از این رو، بررسی اینکه چگونه تغییرات اجتماعی این رفتارها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اهمیت بالایی دارد. در ابتدا باید اشاره کرد که تغییرات اجتماعی می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی باشد. برای مثال، تغییرات اقتصادی مانند بیکاری، فقر و مهاجرت می‌تواند به یک نوع ناپایداری اجتماعی منجر شود که بر مشارکت سیاسی تأثیر بگذارد. مطالعات نشان داده‌اند که در دوره‌های بحران اقتصادی، افراد بیشتر به مشارکت در فعالیت‌های سیاسی تمایل دارند. این تمایل شدن به دلیل احساس ناامنی اقتصادی و نیاز به تغییر در سیاست‌های اقتصادی است. علاوه بر این، تغییرات فرهنگی نیز می‌تواند تأثیر عمیقی بر مشارکت سیاسی داشته باشد. تحقیقات نشان می‌دهند که تغییرات در ارزش‌ها و باورهای اجتماعی، به‌ویژه در مسائلی مانند حقوق بشر، برابری اجتماعی و دموکراسی می‌تواند راه را برای افزایش مشارکت‌های سیاسی هموار کند. به‌عنوان مثال، جوانان و نسل‌های جدید معمولاً دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به مسائل سیاسی دارند و تمایل بیشتری به اتخاذ مواضع فعال دارند و به طرز نوآورانه‌ای از فناوری‌های دیجیتال برای سازمان‌دهی و بسیج استفاده می‌کنند. تغییرات تکنولوژیک نیز روندی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی است. ظهور اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و دیگر فناوری‌های اطلاعاتی، ابزارهای جدیدی را برای سازماندهی و بسیج فراهم کرده است. این نوع فناوری‌ها می‌توانند به تسهیل ارتباطات و تبادل اطلاعات بین افراد کمک کنند و به طرز قابل توجهی سطح مشارکت سیاسی را افزایش دهند. تحقیقات نشان می‌دهند که افرادی که به شبکه‌های اجتماعی دسترسی دارند، بیشتر احتمال دارد که در فعالیت‌های سیاسی شرکت کنند و صدای خود را شنیده شده ببینند. از سوی دیگر، برخی از پژوهش‌ها نیز نشان داده‌اند که تغییرات اجتماعی می‌تواند به کاهش مشارکت سیاسی منجر شود. به‌عنوان مثال، در شرایطی که تغییرات اجتماعی به‌نوعی بی‌اعتمادی به نهادهای سیاسی یا فساد منجر شود، ممکن است افراد از شرکت در فرآیندهای سیاسی سرباز زنند. این امر به‌ویژه در کشورهایی که تجربه‌های منفی از مشارکت‌های سیاسی دارند، برجسته‌تر است.

نتایج حاصل از فرضیه دوم

به نظر می‌رسد تغییرات اجتماعی بر فعالیت احزاب تأثیرگذار است. از آنجایی که سطح معنی‌داری $\text{sig}(0/001)$ کوچک‌تر از سطح خطای ۵ درصد می‌باشد لذا فرض H_0 رد و فرض H_1 پذیرفته می‌شود یعنی تغییرات اجتماعی بر فعالیت احزاب تأثیرگذار است. مقدار همبستگی بین این دو متغیر ۰/۱۶۲ می‌باشد. تبیین فرضیه تغییرات اجتماعی بر فعالیت احزاب سیاسی یکی از موضوعات مهم در مطالعات سیاسی و اجتماعی است. این فرضیه بررسی می‌کند که چگونه تغییرات اجتماعی، اعم از تغییرات اقتصادی، فرهنگی، جمعیتی و تکنولوژیک، می‌تواند بر فعالیت‌ها، سیاست‌ها و رفتارهای احزاب سیاسی تأثیر بگذارد. تغییرات اجتماعی به تحولاتی اشاره دارد که در ساختارها، نهادها و الگوهای اجتماعی ایجاد می‌شود. این تغییرات می‌تواند ناشی از عواملی چون تغییرات اقتصادی (مانند افزایش بیکاری و تحولات بازار کار)، تغییرات جمعیتی (مانند مهاجرت یا تغییر در ترکیب سنی جمعیت) و تغییرات فرهنگی (مانند تغییر در ارزش‌ها و هنجارها) باشد. این تغییرات می‌توانند به شکل مستقیم یا غیرمستقیم بر فعالیت احزاب سیاسی تأثیر بگذارند. تغییرات اجتماعی می‌توانند بر رفتار و عملکرد احزاب سیاسی تأثیرات متعددی داشته باشند. یکی از تأثیرات آن، تغییرات در برنامه‌های سیاسی احزاب است. به‌عنوان مثال، اگر یک جامعه با بحران اقتصادی مواجه شود، احزاب ممکن است به سمت برنامه‌های اقتصادی بیشتری گرایش پیدا کنند که بر حل مشکلات معیشتی و اقتصادی تأکید دارند. همچنین، تغییرات فرهنگی ممکن است احزاب را به اتخاذ مواضع جدید در زمینه مسائل اجتماعی مانند حقوق اقلیت‌ها و محیط‌زیست وادار کند. تغییرات جمعیتی نیز می‌تواند تأثیرات بسزایی بر ترکیب اعضای احزاب داشته باشد. با افزایش جمعیت جوان یا تغییر در ترکیب قومی و نژادی، احزاب می‌بایست توجه بیشتری به نیازها و نگرانی‌های این گروه‌ها داشته باشند. به‌عنوان مثال، مواردی چون بیکاری جوانان یا دغدغه‌های اقلیمی و اجتماعی ممکن است احزاب را بر آن دارد تا استراتژی‌های جدیدی برای جذب و عضویت اتخاذ کنند. علاوه بر این، تغییرات تکنولوژیک، به‌ویژه در عصر دیجیتال، تأثیر عمیقی بر نحوه فعالیت احزاب گذاشته است. ظهور رسانه‌های اجتماعی و اینترنت به احزاب این امکان را داده است که به شیوه‌ای نوین و سریع‌تر با رأی‌دهندگان ارتباط برقرار کنند. این تغییرات نه تنها به گسترش دامنه تبلیغات و اطلاع‌رسانی احزاب کمک کرده،

بلکه موجب ایجاد ظرفیت‌های جدید برای سازمان‌دهی و بسیج اعضا و طرفداران شده است. به‌طور کلی، تغییرات اجتماعی فشارهایی به احزاب وارد می‌کند تا برنامه‌های سیاستی خود را متناسب با نیازها و نگرانی‌های جدید جامعه اصلاح کنند.

نتایج حاصل از فرضیه سوم

به نظر می‌رسد تغییرات اجتماعی بر تشکل‌های اجتماعی تأثیرگذار است. از آنجایی که سطح معنی‌داری $\text{sig}(0/001) =$ کوچک‌تر از سطح خطای ۵ درصد می‌باشد لذا فرض H_0 رد و فرض H_1 پذیرفته می‌شود یعنی تغییرات اجتماعی بر تشکل‌های اجتماعی تأثیرگذار است. مقدار همبستگی بین این دو متغیر ۰/۲۶۸ می‌باشد. تبیین فرضیه تغییرات اجتماعی بر تشکل‌های اجتماعی به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه تحولات اجتماعی، چه در ابعاد اقتصادی، فرهنگی و چه در حوزه‌های سیاسی، می‌تواند بر شکل‌گیری، توسعه و فعالیت‌های این تشکل‌ها تأثیر بگذارد. تشکل‌های اجتماعی به گروه‌ها و نهادهایی اطلاق می‌شود که باهدف مشخصی شکل می‌گیرند و می‌توانند شامل نهادهای غیردولتی، سازمان‌های جامعه مدنی، انجمن‌های حرفه‌ای و دیگر گروه‌های اجتماعی باشند. لذا درکی عمیق از این ارتباط برای تحلیل رفتار اجتماعی و سیاسی جوامع مدرن ضروری است. تغییرات اجتماعی به معنای تحولاتی است که در ساختارهای اجتماعی، نهادها و روابط انسانی ایجاد می‌شود و می‌تواند در اثر عوامل متعددی مانند تغییرات اقتصادی، تغییرات جمعیتی، تحولات فرهنگی و فناوری‌های نوین بروز یابد. به‌عنوان مثال، تغییرات اقتصادی شامل رشد یا رکود اقتصادی، درجه بیکاری و تغییر در توزیع ثروت می‌تواند بر ساختار اجتماعی تأثیر بگذارد و نیاز به تشکل‌های اجتماعی را افزایش دهد. در چنین مواقعی، گروه‌ها و تشکل‌ها برای حمایت از حقوق افراد و منافع خاص خود شکل می‌گیرند. به‌طور خاص، در دوره‌های بحران اقتصادی، تمایل به سازمان‌دهی و ایجاد تشکل‌های اجتماعی در پاسخ به عدم رضایت نسبت به سیاست‌های دولتی و اقتصادی افزایش می‌یابد. تغییرات فرهنگی نیز از دیگر عوامل مهمی است که بر تشکل‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارد. با تحول در ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، نیاز به تشکل‌های جدید با محوریت موضوعاتی نظیر حقوق بشر، محیط‌زیست و عدالت اجتماعی به وجود می‌آید. برای مثال، ظهور جنبش‌های اجتماعی در دهه اخیر همچون جنبش‌های زیست‌محیطی و حقوق به‌وضوح نشان‌دهنده تأثیر تغییرات فرهنگی بر شکل‌گیری تشکل‌های اجتماعی جدید است. همچنین، تغییر در آگاهی و خواسته‌های نسل جوان نیز بر این فرایند تأثیر می‌گذارد و منجر به شکل‌گیری اقدام‌های جمعی و سازمان‌یافته برای تحقق آرمان‌ها و اهداف اجتماعی می‌شود. تأثیر تغییرات تکنولوژیکی بر تشکل‌های اجتماعی نیز نباید نادیده گرفته شود. ظهور اینترنت و شبکه‌های اجتماعی به تشکل‌ها این امکان را داده است که به‌راحتی با مخاطبان و اعضای خود ارتباط برقرار کنند و سازمان‌دهی‌های جدیدی را ایجاد کنند. این فناوری‌ها به تشکل‌ها این امکان را می‌دهند که به‌سرعت اطلاع‌رسانی کنند و به جلب حمایت عمومی بپردازند.

پیشنهاد‌های کاربردی

در تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر تغییرات اجتماعی بر رفتار سیاسی جامعه، رویکردهای عملیاتی که مستقیماً بر روی مردم و جامعه تمرکز دارند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در ادامه، تعدادی از پیشنهادات کاربردی در این زمینه ارائه می‌شود:

- توسعه برنامه‌های آگاهی‌بخشی: برگزاری کارگاه‌های آموزشی: سازمان‌دهی کارگاه‌ها، سمینارها و دوره‌های آموزشی برای عموم مردم درباره تأثیرات تغییرات اجتماعی بر مشارکت سیاسی و فعالیت‌های اجتماعی. این برنامه‌ها می‌تواند به افزایش آگاهی عمومی و تشویق به مشارکت بیشتر کمک کند.
- ایجاد و تقویت فضای مشارکت عمومی: فضاهای گفت‌وگو و مباحثه: برگزاری جلسات عمومی یا محلی که در آن شهروندان بتوانند نظرات و دیدگاه‌های خود را درباره مسائل اجتماعی و سیاسی به اشتراک بگذارند. این فضاها می‌توانند به تقویت حس همبستگی و مشارکت اجتماعی کمک کنند.
- تشویق مشارکت جوانان: برنامه‌های جوانان: طراحی و اجرای برنامه‌هایی خاص برای جوانان که آن‌ها را تشویق به مشارکت در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی کند، مانند مسابقات ایده‌پردازی یا برنامه‌های داوطلبانه.
- تقویت نقش تشکل‌های محلی: حمایت از نهادهای محلی: ارائه تسهیلات و حمایت‌های مالی به تشکل‌های اجتماعی محلی که نقش فعالی در زمینه آگاهی‌رسانی و بسیج عمومی دارند. این نهادها می‌توانند به‌عنوان پل‌های ارتباطی میان افراد و نهادهای سیاسی عمل کنند.
- تحقیق و ارزیابی مستمر: بازخوردگیری مستمر: ایجاد سازوکارهای بازخورد برای جمع‌آوری نظرات مردم درباره نیازها و خواسته‌هایشان در زمینه سیاست و جامعه که می‌تواند به بهبود فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی کمک کند.
- ایجاد پلتفرم‌های نوآورانه: پلتفرم‌های آنلاین برای همفکری و هم‌افزایی: ایجاد بسترهای آنلاین که به افراد امکان می‌دهد نظرات و تجربیات خود را در زمینه مسائل اجتماعی و سیاسی به اشتراک بگذارند و راه‌حل‌های مبتکرانه پیشنهاد دهند.
- توجه به اقشار مختلف جامعه: برنامه‌های ویژه برای اقلیت‌ها و زنان: طراحی برنامه‌هایی متناسب با نیازها و مشکلات خاص اقلیت‌ها و زنان برای افزایش مشارکت آن‌ها در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی. احترام به تنوع: ترویج تنوع فرهنگی و مذهبی در سیاست که می‌تواند به تعامل مثبت و کاهش تعصبات کمک کند.

۷. منابع

۱. اطاعت، جواد (۱۳۷۴). نظام انتخاباتی و نظام سیاسی، مطالعه فرایند دموکراتیزاسیون در ایران، رساله دکتری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۲. باقی، عمادالدین (۱۳۷۷). جنبش دانشجویی، [مصاحبه با روزنامه اخبار]، ۱۰، اسفندماه ۱۳۷۷.
https://pkn.isu.ac.ir/article_14.html
۳. پالیزیان، محسن (۱۳۹۰). «بررسی میزان تمایل به مشارکت سیاسی دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن»، فصلنامه سیاست، ۴۱ (۲)، ۳۳-۴۹.
۴. راش، مایکل (۱۳۷۷). جامعه و سیاست، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت.
۵. رضایی، اسدالله (۱۴۰۰). کالبدشکافی احزاب سیاسی، تهران، انتشارات آمه.
۶. رفیعی قهساره، ابودر (۱۳۹۷). «نظام انتخاباتی و تأثیر آن بر نظام حزبی در ایران»، ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۱۰ (۱): ۱۰۴-۸۱.
۷. سید امامی، کاووس (۱۳۸۶). «مشارکت سیاسی دانشجویان: ارزیابی برخی از پیش‌بینی‌کننده‌های مشارکت سیاسی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۳ (۱).
۸. سید امامی، کاووس؛ افتخاری، اصغر و عبدالله، عبدالمطلب (۱۳۸۵). «ارزش‌ها و نگرش‌ها و رفتار سیاسی جوانان»، گزارش طرح پژوهشی، سازمان ملی جوانان.
۹. فیرحی، داود (۱۳۹۶). فقه و حکمرانی حزبی، تهران: نشر نی.
۱۰. لیبست، مارتین و دوز، رابرت (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه: محمدحسین فرجاد، تهران: انتشارات توس.
۱۱. مدبر، روح اله (۱۳۹۴). نقش سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان در کسب منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، رساله دکتری، دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات.
12. Bennett, W. L., & Segerberg, A. (2020). The logic of connective action: Digital media and the personalization of contentious politics, In V. Papacharissi (Ed.), *A Networked Self: Choreography of Resistance* (pp. 57-79). Routledge.
13. Dalton, R. J. (2021). "The Decline of Political Participation in America: Revisiting the Civic Culture", *American Political Science Review*, 115(2): 515-523.
<https://doi.org/10.1017/S0003055421000172>
14. Delli Carpini, M. X., & Keeter, S. (2020). *What Americans Know About Politics and Why It Matters*, Yale University Press.
15. Hsu, B. J. (2020). "Social movements and political participation in the digital era: The case of youth activism", *Journal of Youth Studies*, 23(8): 1071-1087.
<https://doi.org/10.1080/13676261.2020.1778484>
16. Huntington, S., & J.M Nelson. (2015). *Political Participation in Developing Countries* Cambridge, Harvard University Press.
17. McClurg, S.D. (2018). "Social Networks and Political Participation: The Role of Social Interaction in Explaining Political Participation", *Political Research Quarterly*, 56.
18. Ritzer, George. (2019). *Contemporary Sociological Theory*, Translated by Mohsen solasi. Tehran science publications. seventh edition.
19. Tausch, A., & Heshmati, A. (2020). "The impact of social change on political behavior: Evidence from a comparative perspective", *Research in Social Stratification and Mobility*, 67: 100499. <https://doi.org/10.1016/j.rssm.2020.100499>